

روح‌انوار اقبال به تیغ

و هوشیاری از فلسفه و شناخت

نقشه نهمه پنجم

مقدمه

روح‌انوار اقبال به تیغ

نقشه نهمه پنجم

نقشه نهمه پنجم

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

مقدمه

هویت به مثابه آزادی

خوانشی فلسفی از یک مفهوم

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

حسن حنفی

ترجمه‌ی

سعدالله همایونی و اکرم مدنی

فهرست

۷	مقدمه مترجمان.....
۹	فصل اول: موضوع و رویکرد.....
۲۱	فصل دوم: هویت و ازخودبیگانگی.....
۴۵	فصل سوم: هویت و ازخودبیگانگی دینی.....
۵۳	فصل چهارم: هویت و ازخودبیگانگی سیاسی.....
۵۹	فصل پنجم: آیا می‌توان تعریفی برای هویت ارائه داد؟.....

مقدمه مترجمان

حسن حنفی متولد ۱۹۳۵ قاهره‌ی مصر، از چهره‌های برجسته اسلام متجددانه است. ایشان در دانشگاه سوربن پاریس به تحصیل پرداخته و از سال ۱۹۶۷ استاد فلسفه در قاهره بوده است. حنفی به عنوان استاد مدعو در دانشگاه‌های فرانسه، ایالات متحده آمریکا، بلژیک، کویت و آلمان نیز حضور داشته است. به طور خلاصه مجموعه آثار او در سه حوزه تألیف شده است:

۱. حوزه بازسازی یا تجدد در میراث اسلامی

۲. غرب‌شناسی

۳. بازشناسی مسائل مربوط به واقعیت معاصر مسلمانان.

همان‌طور که آثار این متفکر اصلاح طلب نشان می‌دهد، محوری‌ترین تلاش وی بازخوانی و نوسازی میراث فرهنگی مسلمانان است. حنفی از جمله اندیشمندانی است که با داشتن بینش عمیق فلسفی، دینی، سیاسی و جامعه‌شناختی به بازسازی مفاهیم اجتماعی و معرفتی جهان معاصر عرب می‌پردازد. هدف از این مفهوم‌سازی جدید، معرفی نگاه و تفسیری تازه و ارائه‌ی الگوی جدید برای رفتار سیاسی و اجتماعی دولتمردان و عامه مردم در کشورهای اسلامی است که البته با واکنش‌هایی از جانب گروه‌های جامعه نیز مواجه شده است.

کتاب الهویة یکی از مهم‌ترین نوشته‌های حسن حنفی به شمار می‌آید که در آن مفهوم‌سازی جدیدی از «هویت» را بیان می‌کند؛ موضوعی مهم و پرابلماتیک برای هر کشوری از جمله کشورهای مسلمان. به زعم ایشان هویت موضوعی نظری نیست، بلکه موضوعی تاریخی قلمداد می‌شود که به هستی عرب در طول تاریخ مرتبط است.

مبانی نظری او در این کتاب برخاسته از مکاتبی چون مارکسیسم و سوسیالیسم، پدیدارشناسی، اومانیسم، و تاریخ‌گرایی است. با استفاده از این نحله‌ها تعبیری تازه را از هویت بیان می‌کند. به زعم حنفی هویت را نمی‌توان از بسترهای تاریخی آن جدا کرد هویت چیزی

نیست که اعطا شده باشد، بلکه چیزی است که آفریده می‌شود، بنابراین یک تعریف ذاتی از هويت وجود ندارد. ایشان معتقد است انسان تنها موجودی است که می‌تواند به صورتی غیر از آنچه هست، جلوه کند و در صورتی که هويتش از آنچه هست به سوی آنچه نیست تمایل پیدا کند، و یا از هويت خویش منحرف شود، احساس از خود بیگانگی خواهد کرد. به بیان وی از خود بیگانگی طیفی پیوستاری دارد و انسان طبیعی بین دو قطب هويت و از خود بیگانگی به سر می‌برد. نبود هويت برخی اوقات همان از خود بیگانگی تفسیر می‌شود که واکنش‌های متضادی مانند انزوا و درون‌گرایی یا برون‌گرایی و خشونت را به همراه دارد، برخی اوقات نیز به ویژه هنگامی که امکانات مادی فراهم باشد حالتی جدید شکل خواهد گرفت و هويت خود را با غرق شدن در حیات دنیوی و تجمل‌گرایی بروز می‌دهد تا به هويت از دست رفته کمک کند. فصل دوم تا چهارم کتاب به موضوعات هويت و از خود بیگانگی، از خود بیگانگی دینی و از خود بیگانگی سیاسی می‌پردازد.

در ادامه این مباحث، فصل پایانی کتاب با این سؤالات مهم آغاز می‌شود که آیا می‌توان تعریف دقیقی از هويت داشت؟ منشأ هويت چیست و آیا هويت، هويت مکان است؟ حنفی با استفاده از ادله‌هایی که در فصول قبل و این فصل می‌آورد نشان می‌دهد که هويت، منشأ بیولوژیکی مذهبی، دینی، زبانی، جغرافیایی و حتی فرهنگی ندارد چرا که نژاد، گونه‌ی بیولوژیکی است که انسان هیچ دخالتی در آن ندارد؛ مذهب‌گرایی نوعی جانبداری تاریخی است؛ حکومت دینی تلاش برای تصاحب قدرت سیاسی است؛ زبان‌های ملی مصرف داخلی دارند و در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی کارکردی ندارند و فرهنگ اسلامی نیز علوم، فنون و هنر و ادبیات را شامل می‌شود؛ پس بنابراین به زعم ایشان هويت امری تاریخی است و به انتساب فکری یا طرفداری ایدئولوژیک ارتباطی ندارد.

تفسیر حنفی از هويت حامی گسترش اخلاقی جهانی است. همان‌طور که گفته شد به زعم ایشان چون انسان تنها موجودی است که می‌تواند به صورتی غیر از آنچه هست، جلوه کند؛ بنابراین هويت خوانش و تعبیری از آزادیست یک نوع آزادی ذاتی. هويت موضوعی پابرجا یا حقیقتی واقع نیست، بلکه امکان شناوری است که با آزادی تعامل دارد. پس پایه‌های هويت بر آزادی بنا گردیده است، زیرا هويت احساس به ذات است و ذات، آزاد است. آزادی هم بر هويت بنا شده چرا که آزادی تعبیر هويت است. آزادی، با خود آزادی می‌آورد. حنفی در بیشتر آثار تأکید کرده است که اسلام نیازمند درکی همسو با آزادی و پیشرفت بشر است.

دکتر سعید الله همایونی
اکرم مدنی

فصل اول

موضوع و رویکرد

هويت، در اصل موضوعی فلسفیست که فلاسفه‌ی آرمان‌گرا (ایده‌آلیست) و هستی‌گرا^۱ (اگزیستانسیالیست) هریک از منظر خود بدان نگریده‌اند. از یک سو آرمان‌گرایان، از نگاه متافیزیکی به مؤلفه‌ی هويت پرداخته و آن را به صورت قانونی با نام قانون هويت درآورده‌اند؛ از سوی دیگر هستی‌گرایان، از منظر روان‌شناختی موضوع هويت را بررسی کرده‌اند. آنان به دلیل ممانعت از تقسیم شیء بر خودش و به دنبال آن انکار وجود انسان، این موضوع را مورد مذاقه قرار داده‌اند. تا آنجا که موضوع هويت، برای برخی فلاسفه همچون «فیثته»^۲ (فیخته)، به شکل اولین قانون تفکر و هستی درمی‌آید. مفهوم غیریت^۳، به ذاته قانونی مجزا نیست، بلکه همان نفی هويت «اللا أنا» (نا-من) است. در این قانون دیالکتیک، موضوع من و نقیض موضوع نا-من، است و مرکب موضوع من مطلق^۴ است که برای فلاسفه‌ی واقع‌گرا و اثبات‌گرا امری بدیهی شمرده می‌شود. «هو» مانند بسیاری از اصطلاحات و مشکلات فلاسفه، تحصیل حاصل است یعنی در واقع به مفهوم چیزی نیست؛ تنها تکرار لفظی ضمیر منفصل «هو» [در زبان عربی] است. اینکه چیزی بر خودش انطباق یابد و از خود جدا نشود؛ امری طبیعیست. در حقیقت، شیوه‌ی متافیزیک این است که در آغاز کار غبار ابهام به راه بیندازد و پس از آن، از ندیدن شکایت کند.

از این رو موضوع هويت، عبارتی ادبی و ساخته و پرداخته عقل است یا به مانند